

## عنوان مقاله:

واکاوی نظریه های دولت سازی در تمدن های غربی و اسلامی

## محل انتشار:

سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 40

## نویسنده:

مجتبی قنبردوست - دانشجوی سال آخر دکتری علوم سیاسی، گرایش مسایل ایران

## خلاصه مقاله:

نظریات دولت سازی از آنجا که به تبیین دلایلی برای مشروعیت قدرت دولت و توجیهی برای حاکمیت به شمار می روند ، با نظریات مختلف دولت سازی در تاریخ تمدن های غرب و اسلام روبه رو بوده ایم. تمدن غرب پس از دوره افول قدرت کلیسا(قرن سیزدهم میلادی)، دوره جدیدی از دولت سازی را تجربه کرده است که مهمترین نظریات آنها در دو محور دولت سازی درون زا و برون گرا به منصف ظهور رسیده است. نظریاتی از قبیل دولت اندام (واره) دولت خود تحول و خود تکاملی) و دولت ابزاری) دولت محصول اراده انسان) از بطن نظریات درون زا تجلی نمود. همچنین نظریات متعددی از قبیل نظریات حقوقی ، کثرت گرایی ، کارکردگرایی ، توسعه و نظریه طبقاتی دولت نیز قابل اشاره اند که منجر به ایجاد دولت های محافظه کار ، لیبرال ، دموکراتیک ، فاشیسم ، کمونیسم ، رفاهی و نیولیبرال در تمدن غربی شده است. در این مقاله به مبانی فکری، نظریه ها و تجارب دولت سازی در تمدن اسلامی توسط جوامع و مذاهب مختلف اهل سنت و تشیع پرداخته شده که دولت سازی در اهل سنت به پادشاهی های مطلقه در حوزه خلیج فارس و یا دموکراسی های غیردینی با تسلط سکولاریسم بر مسند قدرت در جامعه اسلامی مانند ترکیه و لبنان ختم گردیده است. دولت سازی در تشیع نیز علاوه بر مدت کوتاه 5 ساله برای تجربه نظام امامت، در دوران غیبت دولت های شیعی نیز به سلطنت های استبدادی رسیدند که در ایران با صفویه آغاز و با قاجار و پهلوی به پایان رسید. البته دولت سلطنتی شیعه در ایران در اواخر قاجار دست تحول جدید و مهم با نام نهضت مشروطه گردید که با آرمان تحدید قدرت سلطنت افزایش اختیارات پارلمان تجربه شد که البته نه در قاجار و نه در پهلوی تجربه موفق در حوزه ارتقاء دموکراسی نبود و به سرانجام هم نرسید. روند دولت سازی در دوران غیبت امام دوازدهم، پس از انقلاب بزرگ اسلامی ایران با استفاده از تجارب دولت سازی در تمدن اسلامی گذشته وارد مرحله جدید و مهمی از دولت سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی شده است. در مرحله کنونی، نظام جمهوری اسلامی به عنوان نقطه عطف اولین تجربه تاریخ سیاسی شیعه در مردم سالاری دینی استقرار یافت که سازوکار دولت سازی موجود در آن بر مبنای فقه سیاسی پویا و محوریت ولایت فقیه با دموکراسی دینی وقانون اساسی برآمده از تجارب عقلی بشری جوامع دیگر به عنوان الگوی جدید برای دولت اسلامی در عصر غیبت معرفی گردیده است. با این وجود به نظریه های دولت سازی به مثابه دلایلی برای مشروعیت قدرت دولت و توجیهی برای حاکمیت و همچنین روند دولت سازی در تمدن اسلامی گذشته تا کنون به عنوان تجربه دولت سازی برای الگوی جدید دولت اسلامی پرداخته می شود

## کلمات کلیدی:

انقلاب اسلامی ، نظام اسلامی ، دولت اسلامی ، تمدن نوین اسلامی ، جمهوری اسلامی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/812487>

